

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## بررسی موانع درونی و بیرونی وحدت امت اسلامی

احد داوری<sup>۱</sup>

حمیده شفیعی<sup>۲</sup> و حکیمه یاری<sup>۳</sup>

### چکیده

در برهه‌ی کنونی، نظام سرمایه‌داری غرب با هدف قرار دادن پایه‌های اسلام بیش‌ازپیش در تلاش است تا سیادت خود را در جامعه‌ی جهانی تثبیت نماید یکی از راه‌های رسیدن به چنین طرح و نقشه‌ای ایجاد تفرقه، اختلاف و دشمنی میان مسلمانان است بدین‌جهت وحدت امت اسلامی که مایه قدرت و شوکت آنان و همچون خاری در چشم مستکبران جهان است بدون مانع نخواهد بود و واکنش سخت بدخواهان اسلام و را با برنامه‌ریزی دقیق و طولانی به همراه خواهد داشت، هرچند که نمی‌توان در تحقق این اندیشه‌ی شوم نقش برخی عوامل موجود در درون جامعه‌ی اسلامی را نادیده گرفت که دانسته یا نادانسته با آنان هم‌نوا شده‌اند. شناخت این موانع و تلاش در جهت رفع آن‌ها از سوی عالمان و اندیشمندان مسلمان، امری بایسته و قطعی است که بی‌توجهی به آن، خسارت عظیمی بر پیکره امت اسلامی وارد خواهد ساخت. در این پژوهش جهت تحقق این امر بنیادین، با تحلیل آیات و روایات، مهم‌ترین موانع درونی وحدت از قبیل فقدان رهبری صالح، ملی‌گرایی، تعصب‌های مذهبی قومی نژادی، جهل و ناآگاهی توده‌های مردم، تکفیر یکدیگر و موانع بیرونی آن مانند نامشخص گذاشتن مرزهای سیاسی، جنگ نرم، فرقه‌سازی و حمایت از فرقه‌های انحرافی و نفوذ منافقان در میان صفوف مسلمانان موردبررسی قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** وحدت، موانع درونی وحدت، موانع بیرونی وحدت، امت اسلامی، قرآن کریم.

۱. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم، [ahaddavari@gmail.com](mailto:ahaddavari@gmail.com)  
Davariahad.blog.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده علوم قرآنی مراغه، [shafiei@shiraz@gmail.com](mailto:shafiei@shiraz@gmail.com)

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده علوم قرآنی مراغه، [hakimeyari93@yahoo.com](mailto:hakimeyari93@yahoo.com)

اختلاف و تفرقه در میان هر قوم، ملت یا جامعه‌ای موجب استیلا و حاکمیت بیگانگان و تسلط و تفوق غیرخودی‌ها بر آن جامعه و ملت می‌شود. در طول تاریخ حیات بشریت، انسان‌ها با هر ایده و آیینی، در صورت اتحاد و هماهنگی توانسته‌اند اهداف و آمال خود را محقق سازند چنانچه علی بن ابیطالب علیه‌السلام در خطاب به یاران خود زمانی که خبر تسلط بسر بن اریطاه را بر یمن شنیدند، فرمودند: **وَإِنِّي وَاللَّهِ لَأَظُنُّ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ سَيُدْأَلُونَ مِنْكُمْ بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَيَّ بِأَطْلِهِمْ وَتَفَرُّقِكُمْ عَنِّي حَقُّكُمْ** (نهج‌البلاغه، خ ۲۵)؛ آن‌ها در یاری کردن باطل خود، وحدت دارند و شما در دفاع از حق متفرقید!

تاریخ و تمدن مسلمانان حاکی و حامل دورانی طلایی است آن هنگام که در سایه‌ی عمل به فهم صحیح از قرآن در تمام ابعاد زندگی انسانی، مسلمانان سرآمد جهانیان شدند آنان توانستند ابرقدرت‌هایی چون ایران و روم را در مقابل ندای حق‌طلبی اسلام به زانو درآورده و تسلیم خود کنند و گستره‌ی نفوذ علمی، معنوی و جغرافیایی‌شان را تا اندلس (اسپانیای کنونی) به پیش برند. در چنین شرایطی بود که عالمان برجسته‌ای نظیر ابن مالک در نحو، قرطبی در تفسیر، ابن رشد در فلسفه و... پرورش یافتند. چنانکه اندیشمندان غربی چون گوستاولوبون، با اعتراف به برتری علمی جوامع مسلمان بر جوامع غربی طی چند قرن، می‌گویند: تقریباً حدود ۵ الی ۶ قرن، تنها کتاب‌های علمی که در دانشگاه‌های اروپا تدریس می‌شد؛ همان کتاب‌هایی بود که از زبان‌های عربی به لاتین ترجمه شده بود. (لوبون، بی تا، ۷۷)

حال سؤال این است که چرا مسلمانان با آن پیشینه‌ی درخشان و سیادت بر جهانیان اکنون با این همه مشکلات و معضلات در سطوح مختلف علمی، اقتصادی، اجتماعی و... دست‌به‌گریبان‌اند. علت نفوذ و سیطره مستقیم و غیرمستقیم استکبار بر امت اسلامی چیست؟ بی‌شک یکی از عوامل اصلی این مشکلات و معضلات تفرقه‌افکنی‌های بیگانگان و تشتت در میان مسلمین است. رفع و دفع این تنازعات خانمان‌سوز در عصر حاضر از اهمیت بیشتری برخوردار است. چراکه امروزه انواع تفرقه‌افکنی‌ها و عوامل بیرونی و درونی آن در جهان اسلام، ما را به سوی درک این مصلحت سوق می‌دهد که حتی اگر اندیشه‌های ضد تقریبی داشته یا به مبانی مذهبی سایر مسلمانان اعتقادی نداشته باشیم، از طرح مسائل تفرقه‌برانگیز منصرف شده و با تأکید بر وحدت به پایداری اسلام و جامعه اسلامی بیندیشیم. با اتمام به این وظیفه‌ی دینی و اجتماعی است که می‌توانیم امت اسلامی را از جایگاه مناسب‌تری برخوردار سازیم و پشتوانه‌ای قوی برای عزت آن فراهم‌سازیم. (ر.ک: آقا نوری، ۱۳۸۷، ۱۸)

## مفهوم شناسی

«وحدت» در لغت از ریشه «وَحَدَّ» یگانه شدن و انفراد (ابن فارس، ۱۳۸۷، ۱۰۱۴؛ فیروزآبادی، ۱۴۳۰ ق، ۱۶۴۴) است و وقتی در باب افتعال به کار می‌رود به معنای «اتحاد» یکی شدن دو چیز موجود است. (طریحی، ۱۴۱۵ ق، ۴/۴۷۶) در ادبیات فارسی نیز، به معنای همبستگی، همگرایی، یکدلی، یگانگی، یک‌جهتی، موافقت، اجتماع و باهم بودن در یک امر است (معین، ۱۳۷۵، ۴۹۸۹) لذا می‌توان در اتحاد دو یا چند چیز، دو عنصر مهم را مطرح کرد: عنصر اول، حفظ خاصیت شخصی و عنصر دوم یکی شدن؛ بنابراین هرگاه چند چیز، با حفظ خاصیت شخصی خود، با هم یکی شوند، اتحاد حاصل خواهد شد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۱۵) با این توصیف می‌توان وحدت اسلامی را در رسیدن به نوعی یگانگی در منافع و اهداف و تقریب در باورهای دینی، از سوی کسانی که به‌رغم اجتهادات مختلف، مشترکات بسیاری دارند دانست. (آقا نوری، ۱۳۸۷، ۱۸-۱۹) وحدت و اتحاد بر دو گونه است، مطلوب و نامطلوب، اگر اتحاد و وحدت بر مدار اجرای حق نباشد، بر ضلالت و گمراهی خواهد بود و چنین اتحادی نمی‌تواند مقدس و مطلوب باشد. چراکه امری زیان‌بخش بوده و تقبیح شده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۲۱) علی بن ابیطالب (ع) در این باره می‌فرماید: مردم در آن روز (آینده) بر تفرقه و پراکندگی اتحاد می‌کنند و در وحدت و یگانگی، پراکندگی دارند؛ گویا این مردم، پیشوایان قرآن‌اند و قرآن پیشوای آنان نیست. در این هنگام جز نامی از قرآن نزدشان باقی نماند و جز خطوط آن چیزی شناسند... (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۷)

مفهوم امت در اصل عبارت از گروهی است که وحدت نسبی داشته باشند و از باب توسعه بر اهل یک ملت اطلاق می‌گردد. (طیب، ۱۳۷۸، ۲/۲۲۹) اما باین وجود این دو مفاهیم «ملت» و «امت» با یکدیگر تفاوت‌های ظریفی دارند بدین گونه که مفهوم ملت نوظهور بوده و به‌عنوان عامل انسانی جامعه سیاسی و یکی از عناصر سه‌گانه تشکیل‌دهنده دولت-کشور در ارتباط با سرزمین معین معنا پیدا می‌کند؛ بنابراین وجه افتراق این مفهوم با ملت از دو نظر است: نخست آنکه ملت، وابسته به سرزمینی مشخص است یعنی مفهومی درون‌مرزی دارد حال آنکه امت مفهومی است فرامرزی. امت پدیده‌ای است ناشی از یک عامل فرهنگی (دین) و مفهوم ملت حاصل چند عامل فرهنگی و محیطی است. (آشوری، ۱۳۸۹، ۲۲۱) بنابراین وحدت امت اسلامی منحصر و محدود به یک جغرافیای خاص نیست این وحدت حاصل تعامل و تفاهم بین مذاهب در کشورهای مختلف اسلامی است بدین معنا که مذاهب اسلامی در عین وجود اختلافات عقیدتی و مباحثه‌ی علمی نیکو در اختلافات در کنار یکدیگر زندگی برادرانه و مسالمت‌آمیز داشته باشند و همیشه در مقابل جبهه‌ی ضد اسلام متحد بوده و در این امر شرکت فعال داشته باشند و به این معنا نیست که شریعت و قوانین مذاهب هم یکی شود.

## بررسی موانع درونی و بیرونی وحدت امت اسلامی

وحدت مطلوب امت اسلامی به طرق مختلف دچار خدشه و آسیب گشته است که در یک بررسی کلی و اجمالی می‌توان آن‌ها را در دو گروه جای داد، درونی و بیرونی. اکنون به‌قدر وسع این نوشتار به برخی از موانع درونی و بیرونی وحدت اسلامی، اشاره می‌کنیم:

### موانع درونی وحدت امت اسلامی

موانع درونی، آن دسته از گفتارها، کردارها و اقدامات و مواضعی است که کلی یا جزئی با اصول ثابت ایمان و شالوده‌ها و کلیات شرعی و اهداف و مقاصد اسلامی، در تضاد قرار دارند. می‌توان موانع درونی را که به‌مراتب تأثیر بیشتری نسبت به سایر موانع در وحدت اسلامی دارند را به شرح زیر برشمرد.

### الف: جهل و ناآگاهی توده مردم

جهل همان‌گونه که علمای فقه اللغة گفته‌اند به معنای «ندانستن» است. (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ۳۹۰/۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۱۱/۱۲۹) اما در معنای اصیلش متضاد و در مقابل علم نیست، بلکه مقابل حلم که بر معقولیت اخلاقی یک انسان با فرهنگ دلالت می‌کند قرار دارد (ایزوتسو، ۱۳۶۰، ۳۴)

قرآن کریم برخی را که با آگاهی، اعمال شنیع و زشت مرتکب می‌شوند را جاهل قلمداد می‌کند: قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (اعراف/۱۳۸) گفتند: «ای موسی، همان‌گونه که برای آنان خدایانی است، برای ما [نیز] خدایی قرار ده گفت: راستی شما گروهی هستید که نادانی می‌کنید.» پس جهل معنایی وسیع‌تر از ندانستن دارد؛ معنایی عام و حقیقی که منشأ سقوط و عامل انحطاط و عقب‌ماندگی امت‌ها و جوامع می‌گردد و این معضلی است که امت اسلام در راه وحدت اسلامی با آن روبروست. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۳۸۹) درواقع جهل یک وضعیت پویا، یک حالت روحی و روانی خاص هست که در پی فرصتی است تا در هر زمان به صحنه‌ی ذهن آمده و فعالیت خود را شروع کند از این‌رو پیامبر (صلوات الله و سلامه علیه) آن را تهدید و خطری پایدار برای دین اسلام قلمداد کرده‌اند. (ایزوتسو، ۱۳۶۰، ۳۴) زیرا «جهالت و نادانی برخی جاهلان زمینه‌ساز رسوخ منافقان و فرصت‌طلبان گشته است. با دقت در آیات قرآن کریم (طه/۸۹، ۹۰ و ۹۶؛ اعراف/۱۴۸)؛ به‌روشنی درمی‌یابیم که در برخی از مواقع، جهالت و نادانی برخی از افراد باعث شده تا آزادی و بیداری ملت‌ها دستخوش توطئه و افکار مخرب و طغیان‌گر دشمن قرار گیرد» (حیدری و یدالله پور ۱۳۹۰، ۱۳۲-۱۳۳)

امام صادق (ع) در این زمینه فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ خَصَّ عِبَادَهُ بِأَيَّتَيْنِ مِنْ كِتَابِهِ: أَنْ لَا يَقُولُوا حَتَّى يَعْلَمُوا، وَلَا يَرُدُّوا مَا لَمْ يَعْلَمُوا» (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ۱/ ۱۰۵) خداوند با دو آیه از قرآن، دو درس مهم به این امت داده است، نخست اینکه جز آنچه می‌دانند نگویند و دیگر اینکه آنچه را نمی‌دانند انکار نکنند، سپس دو آیه زیر را تلاوت فرمود: أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ (اعراف/۱۶۹) «آیا خداوند پیمان کتاب آسمانی را از آن‌ها نگرفته است که جز حق در مورد خداوند نگویند» بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلْمِهِ (یونس/۳۹) «مشرکان چیزهایی را انکار کردند که از آن آگاهی نداشتند».

### ب: ملی‌گرایی، تعصب‌های مذهبی، قومی، نژادی و قبیله‌ای

تعلق و تعهد انسان به محیط و نزدیکان و وابستگان سببی و نسبی و در مقیاسی گسترده‌تر جغرافیای سرزمینی خویش امری پسندیده و قابل‌تحسین است چنانکه حدیث «حب الوطن من الایمان» (هاشمی خوئی، ۱۴۰۰ ق، ۳۹۴/۲۱) اشاره به این مطلب دارد اما اگر این حب و علاقه به افراط و تفریط کشیده و افراد به خاطر تعلق و وابستگی به ملت و سرزمین خاصی، همه‌ی اصول انسانی را زیر پا نهند و همواره قوم خود را بر حق بدانند، هرچند در بسیاری امور حق با دیگران باشد، در نتیجه چنین تفکری تفرقه و تیرگی بر دل‌ها حاکم می‌گردد. متأسفانه این امر در بین مسلمین در مقاطع مختلف تاریخ و در نقاط گوناگون از جهان اسلام، باعث نزاع‌ها و جنگ‌های خانمان‌سوزی شده است. از سوی دیگر سلطه‌گران استعمار و استبداد با دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی و اندیشه‌های ناسیونالیستی (ملی‌گرایی) و... به تقویت حاکمیت خود در کشورهای تحت سیطره‌ی خویش از طریق سیاسی و فرهنگی و... می‌پردازند. فرقه‌گرایی و نژادپرستی حربه‌ای است که از سوی دشمنان اسلام مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد تا از آن به‌عنوان عاملی برای تفرقه و پراکندگی مسلمانان بهره‌گیرند و به فتنه‌انگیزی و دسیسه‌چینی بپردازند.

قرآن کریم در این ارتباط می‌فرماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (حجرات/۱۳) «ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید، خداوند دانای آگاه است». از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده که: نوجوانی از مهاجران و نوجوانی از انصار به جان یکدیگر افتادند، مهاجر یا مهاجران فریاد زدند: ای مهاجران! کمک و نوجوان انصاری هم فریاد زد: ای انصار! کمک. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بیرون آمد و فرمود: این چه کاری است؟ ستیزه‌جویی مردمان جاهلیت؟ گفتند: نه، ای رسول خدا! این دو نوجوان به جان هم افتاده و یکی از آن‌ها دیگری را زده است.

پیامبر (ص) فرمودند: بسیار خوب، هر کس برادر ظالم یا مظلوم خویش را یاری رساند. اگر برادرش ظالم بود، او را آگاه سازد، این برای او یاری به شمار می‌آید و اگر برادرش مظلوم بود او را یاری رساند. (قشیری نیشابوری، بی‌تا، ۱۹/۸) این تعصبات کور که آشکارترین جلوه‌های تفرقه و جدایی می‌باشند در دوران معاصر در قالب «پان‌عربیسم» و «پان‌ترکیسم» در جامعه اسلامی ظاهر شده‌اند، این ایدئولوژی‌های ملی‌گرایانه و سیاسی- فرهنگی خواهان وحدت فرهنگی، زبانی و سیاسی تمامی هم‌نژادان خویش‌اند. (رجاء، ۱۳۹۰، ۱۷۷) اصل و مبدأ و ریشه این نگرش (ناسیونالیستی) برگرفته از تفکرات غرب و استعمار است «استعمار برای اینکه اصل «تفرقه بینداز و حکومت کن» را اجرا کند، راهی از این بهتر ندید که اقوام و ملل اسلامی را متوجه قومیت و ملیت و نژادشان بکند و آن‌ها را سرگرم افتخارات موهوم نماید». (مطهری، ۱۳۶۶، ۳۵) و این چنین است که آثار و تبعات سوء این حرکت متعصبانه جاهلی و نابخردانه وحدت امت اسلامی را نشانه گرفته و ابزاری برای توجیه عملکرد استعمار گشته است.

### ج: فقدان رهبری صالح

پیامبران رهبران جامعه هستند و فقدان این مسئله موجب تضعیف هر امت و ملتی است، نقش‌آفرینان آنان در مقیاس پایین‌تر رهبران صالح‌اند. وجود رهبر صالح زمینه‌ساز اتحاد نیروها و انسجام و وحدت ملت و دولت است، بسیاری از کشورهای اسلامی اعم از آنان که زیر سلطه استعمار یا گرفتار استبداد داخلی بوده‌اند، از فقدان رهبری دلسوز و با درایت رنج‌برده‌اند و همین معضل، زمینه‌ساز حضور استعمارگران در این کشورها شده است. در واقع، نبود چنین رهبری و یا ناتوانی‌اش در ایفای نقش خود، موجب از هم گسستگی زمام جامعه می‌شود و نهضت‌های آزادی‌خواهی، در اندک زمانی، به شکست منتهی می‌گردد. (صالحی، ۱۵۵، ۱۳۹۰)

این حاکمان طاغوتی و ناصالح همان‌گونه که خود از معارف الهی بی‌بهره‌اند، اما خویشان را مدبّر و برنامه‌ریز و رهبر و راهبر مردم به‌سوی ترقی و رشد می‌پندارند، می‌کوشند تا دیگران را نیز در این غفلت نگه‌دارند تا بدین‌وسیله به هدف خویش که فرمان‌بری و اطاعت است دست یابند. (جوادی آملی، ۱۳۶۸، ۶۵) خداوند در این باره می‌فرماید: وَ نَادَى فِرْعَوْنُ فِى قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لى مُلْكُ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرى مِن تَحْتى أ فَلَآ تُبْصِرُونَ أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذى هُوَ مَهِينٌ وَ لَا يَكادُ يُبِينُ فَلَوْ لَا أَلْفى عَلَيْهِ أَسْرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَاىِكَةُ مُقْتَرِنِينَ فَاَسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (زخرف/۵۱-۵۴)

و فرعون در میان قوم خود ندا درداد و گفت: «ای مردم کشور من، آیا پادشاهی مصر و این نهرها که از زیر کاخ‌های من روان است از آن من نیست؟ پس مگر نمی‌بینید؟ آیا [نه] من از این کس که خود بی‌مقدار است و نمی‌تواند درست بیان کند بهترم؟ پس چرا بر او دستبندهایی زرین آویخته نشده؟ یا با او فرشتگانی همراه نیامده‌اند؟ پس قوم خود را سبک‌مغز یافت و آنان را فریفت و اطاعتش کردند، چراکه آن‌ها مردمی منحرف بودند» «اصولاً راه و رسم همه حکومت‌های جبار و فاسد این است که برای ادامه خودکامگی باید مردم را در سطح پائینی از

فکر و اندیشه نگهدارند و با انواع وسایل آن‌ها را تحمیق کنند، آن‌ها را در یک حال بی‌خبری از واقعیت‌ها فروبرند و ارزش‌های دروغین را جانشین ارزش‌های راستین کنند و دائماً آن‌ها را نسبتاً به واقعیت‌ها شستشوی مغزی دهند. چراکه بیدار شدن ملت‌ها و آگاهی و رشد فکری ملت‌ها بزرگ‌ترین دشمن حکومت‌های خودکامه و شیطنانی است که با تمام قوا با آن مبارزه می‌کنند! این شیوه فرعون‌ی یعنی استخفاف عقول با شدت هر چه تمام‌تر در عصر و زمان ما بر همه جوامع فاسد حاکم است، اگر فرعون برای نیل به این هدف وسایل محدودی در اختیار داشت طاغوتیان امروز با استفاده از وسایل ارتباط‌جمعی، مطبوعات، فرستنده‌های رادیوتلوویزیونی و انواع فیلم‌ها و حتی ورزش در شکل انحرافی و ابداع انواع مدهای مسخره، به استخفاف عقول ملت‌ها می‌پردازند تا در بی‌خبری کامل فروروند و از آن‌ها اطاعت کنند» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ۸۸/۲۱) و در موضعی دیگر از قرآن کریم آمده، بنی‌اسرائیل بر اثر فقدان رهبری کارساز، از سوی دشمنان تار و مار شدند در اینجا بود که بزرگان قوم از پیامبرشان درخواست کردند تا حاکمی برایشان انتخاب کند تا به‌وسیله او اختلافات داخلی خود را برطرف نموده و قوایشان را تمرکز دهند و در تحت فرمان آن حاکم، در راه خدا کارزار کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴۳۳/۲) **أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَّهُمْ ائْتِ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ** (بقره/۲۴۶) «آیا از [حال] سران بنی‌اسرائیل پس از موسی خبر نیافتی آن‌گاه که به پیامبری از خود گفتند: پادشاهی برای ما بگمار تا در راه خدا پیکار کنیم» در واقع وجود رهبری صالح با تأکید بر مبانی، اصول و آرمان‌های مشترک در جوامع اسلامی از یک‌سو و اجتناب از طرح مباحث تفرقه‌برانگیز از طرف دیگر به انسجام وحدت و همدلی در جامعه اسلامی کمک می‌نماید.

### د: حکومت‌ها و کارگزاران فاسد در میان امت اسلامی

طاغوت‌ها و زمامداران فاسد در هر جامعه‌ای همچون غده‌های چرکینی هستند که سم زهرآگینشان تمامی اعضای و پیکره‌ی یک جامعه را مسموم می‌کند و مانع پویایی استعدادها و توانمندی‌های اعضای آن جامعه می‌شود. (محمد قاسمی، ۱۳۸۹، ۲۰) این حاکمان برای تحقق اهداف و آرزوهای نفسانی‌شان بدون در نظر گرفتن منافع عمومی در جهت ارضای نیات پلید شیطنانی خویش با فدا کردن دیگران دست به هر حربه‌ی غیرانسانی می‌زنند. تاریخ گویای این مسئله است که این سیاستمداران به نام اسلام و در جهت کامیابی خود دست به هر جنایتی می‌زنند. قرآن کریم از زبان ملکه‌ی سبأ، ویژگی‌های این پادشاهان و زمامداران جبّار را چنین معرفی می‌کند:

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ (نمل/۳۴)

پادشاهان هنگامی که وارد منطقه‌ی آبادی می‌شوند آن را به فساد و تباهی می‌کشند و عزیزان آنجا را ذلیل می‌کنند (آری) کار آن‌ها همین‌گونه است. «در حقیقت ملکه‌ی سبأ که خود پادشاه بود، این طیف را به‌خوبی شناخته بود، بنابراین می‌توان برنامه آن‌ها را در دو چیز خلاصه کرد: «فساد و ویرانگری» و «ذلیل ساختن عزیزان» چراکه آن‌ها به منافع خود می‌اندیشند نه به منافع ملت‌ها و آبادی و سربلندی آن‌ها و همیشه این دو بر ضد

یکدیگرند.» این سیره دائمی طاغوتیان است و خداوند با عبارت «كَذَلِكَ يُفْعَلُونَ» از آن یاد می‌کند. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ۴۵۵/۱۵)

امام خمینی (قدس سره) نیز با تصریح بر این مطلب بیان فرموده‌اند: مشکل مسلمین، حکومت‌های آنان هست. این حکومت‌ها هستند که به واسطه‌ی روابطشان با ابرقدرت‌ها و سرسپردگی‌شان به ابرقدرت‌های چپ و راست، مشکلات را برای ما و همه‌ی مسلمین ایجاد کردند. اگر این مشکل از پیش پای مسلمین برداشته شود آنان به آمالشان خواهند رسید و راه‌حل آن به دست خود ملت‌هاست. (مصطفوی خمینی، ۱۳۷۹، ۲۷۸/۱۲)

### هـ: تکفیر یکدیگر

تکفیر و تفسیق‌های نابجا و ناروای مسلمانان، پدیده است که از تنگ‌نظری، بدبینی، مطلق‌اندیشی و جهل به معتقدات و مبانی اندیشه‌ی دیگران نشئت می‌گیرد و بیشترین زیان را متوجه جامعه و فرهنگ اسلامی کرده است. بسیاری از کشمکش‌های خونین فرقه‌ای، قتل و حبس اندیشمندان و نیز نابودی آثار ارزشمند فکری، ناشی از چنین روش و منشی بوده (آقا نوری، ۱۳۸۷، ۲۸۶) و اکنون نیز دوباره نضج یافته و موجب عقیم شدن تلاش‌ها برای وحدت امت اسلامی گردیده است.

نخستین کسی که در اسلام، این ضربه بر او وارد شد، علی بن ابیطالب (ع) بود که پس از واقعه‌ی حکمیت در صفین از سوی خوارج تکفیر گردید که چرا به رأی حکم‌ها گردن نهاده و بدین سبب اسلام برای قرن‌های متمادی دچار آسیب‌پذیری شدیدی شد که عوارض نامیمون آن جبران‌ناپذیر بود و هنوز هم در شکل و صورت‌های دیگری، گاه، در امت اسلامی ظاهر می‌شود. (پژوهنده، ۱۳۸۶، ۱۲۴) به گونه‌ای که بنا بر فرموده امام باقر (ع): علی بن ابیطالب (ع) هیچ‌گاه خوارج را به کفر و شرک و نفاق متهم نکرد و سبب قتل آن‌ها نیز، خروجشان بر حاکمیت اسلامی بود و نه کفرشان؛ چراکه فرمود: «هم اخواننا بغوا علینا؛ آنان برادران ما هستند که بر ما شوریده‌اند». (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹، ق، ۶۲/۱۱) همچنین از حضرت صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «إذا قال المؤمن لآخیه: اف انقطع ما بینهما فاذا قال له انت کافر کفر احدهما و اذا اتهمه انما... هنگامی که مؤمن به برادرش بگوید: اف، از هم بریده می‌گردند و اگر بگوید که تو کافری، یکی از آنان کافر می‌گردد و چنانچه به او تهمت‌زده باشد، اسلام در قلبش آب می‌شود، همانند نمک در آب». (کلینی، ۱۴۲۹، ق، ۴۴۰/۳) در حال تکفیر بندگان به صلاحیت خداوند مربوط است و جزء وظیفه‌ی افراد بشر نیست چنانکه در آیات (حج/۶۹)، (بقره/۲۷۲)، (غاشیه/۲۲)، (ق/۴۵)، (یونس/۹۹) به آن اشاره شده است.



## و: دنیاپرستی و پیروی از هوا و هوس

غرایز و احساسات، مایه‌ی بقای زندگی انسان است و اگر از زندگی انسان حذف گردند، انسان نابود می‌شود، ولی درعین حال اگر تعدیل نشوند و حدود و مرز آن‌ها مشخص نگردد و انسان بازیچه غرایز مرز شناس خود شود. در آن صورت تمام سرمایه‌های وجودی خود را برای نیل به آن بسیج کرده، چیزی جز آن را نمی‌تواند مشاهده کند و این عشق هوس آلود پرده ضخیمی بر عقل و فکر او می‌افکند. دنیاطلبان و هواپرستان که هیچ عملی را جز در راستای رسیدن به مال و مقام انجام نمی‌دهند و در لحظات بحرانی و مشکلات اجتماعی به جای میدان دادن به افراد لایق، بر حفظ قدرت و موقعیت حزب و جناح خویش تأکید می‌کنند، بزرگ‌ترین سنگ‌اندازی را بر سر راه اتحاد مسلمانان انجام می‌دهند آنان به جای چنگ زدن به حبل‌الله به‌عنوان محور وحدت، به ریسمان شیطان که همان دنیاپرستی است متوسل شده و ایجاد تفرقه می‌کنند. (صالحی ۱۳۹۰، ۱۵۹) دنیاطلبان و پیروان هوا و هوس مصداق این آیه مبارکه از قرآن کریم‌اند که می‌فرماید: «وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا» یعنی کاروان بازرگانی - یا سرگرمی را ببینند به‌سوی آن پراکنده می‌شوند».

علی بن ابیطالب (ع) نیز با اشاره به این خصیصه نکوهیده فرموده‌اند: منشأ اصلی تنازع و تفرق اجتماعی هواهای نفسانی است «إِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا خُبْتُ السَّرَائِرِ وَ سُوءُ الضَّمَائِرِ فَلَا تَوَازُونَ وَ لَا تَنَاصِحُونَ وَ لَا تَبَادُلُونَ وَ لَا تَوَادُّونَ» (نهج‌البلاغه خطبه ۱۱۳) شما در دین خداوند با هم برادرید. چیزی جز ناپاکی درون و زشتی باطن، میان شما جدایی نیفکننده و از این‌روست که یکدیگر را در کارها یاری نمی‌کنید و خیر یکدیگر را نمی‌خواهید و به یکدیگر چیزی نمی‌بخشید و با هم دوستی نمی‌ورزید. ابوالدرداء تابعی هم با تأکید بر پلیدی درون ناشی از جهل هوی و هوس می‌گوید: ای بندگان خدا! شما را چه شده است که یکدیگر را دوست نمی‌دارید، درحالی‌که شما برادر دینی یکدیگر هستید و جز پلیدی درون، میان خواسته‌های شما جدایی نیفکننده است و اگر بر یک‌چیز گرد آید، یکدیگر را دوست خواهید داشت و این (جدایی) جز از ایمان اندکی نیست که در دل دارید. (مناوی، بی‌تا، ۳۱/۲)

## ز: بی‌اعتنایی به منابع دینی

از دیگر موانع درونی وحدت امت اسلامی، بی‌اعتنایی به منابع دینی است. هرگاه مسلمانان از یکدیگر دور شده و در مجالس و محافل خویش به‌جای اینکه با هم‌کیشان خویش مراوده داشته باشند، به غیر خود تکیه نموده و آن‌ها را جایگزین دوستان نمایند، وقتی معارف اصیل دینی در رسانه‌ها و دانشگاه‌ها و سایر مراکز علمی - فرهنگی جایی نداشته باشد و در معرفی شخصیت‌های دینی کوتاهی شود در آن صورت حق و باطل با هم مشتبه شده و مردم افراد ناپاک و بی‌لیاقت را الگو قرار می‌دهند. (خسرو پناه، ۱۳۸۶، ۳۳) خداوند حکیم در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً» (بقره/۲۰۸) خطاب «الذین آمنوا» نشان می‌دهد که منظور از «دخول در

سلم» اتحاد و اتفاق و پیاده کردن توحید در جامعه است لفظ «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» مسلمانان را به وحدت اسلامی، دعوت و از تفرقه و اختلاف و تشتت آراء بر حذر می‌دارد چراکه اختلاف همچون موربانه جامعه را از درون می‌خورد و ناتوان می‌سازد. (قرشی، ۱۳۷۷، ۳۸۳/۱) به گواهی تاریخ در فتح قلعه خیبر مسلمانان متحد به فرماندهی رسول خدا صلی الله علیه و آله به خیبر حمله برده و تعداد بی‌شماری از یهودی را مغلوب کردند (نصیری رضی، ۱۳۸۱، ۱۲۳) ولی در عصر ما یک میلیارد مسلمان در اثر اختلاف گروه‌ها و بی‌اعتنایی زمامداران به ظاهر مسلمان در دست یک‌مشت یهودی، مورد تمسخر واقع شده‌اند.

### ح: محافظه‌کاری و سستی برخی عالمان دینی

علماء و دانشمندان جامعه در صحنه‌های مختلف آن دارای جایگاه خاصی هستند. این جایگاه باعث می‌گردد تا آنان نفوذ دوچندان پیدا کنند و به عبارت دیگر بستری برای آنان فراهم می‌گردد تا از امکانات و شرایط ویژه‌ای برخوردار شوند. این بزرگان با توجه به این شرایط به دو شیوه عمل می‌کنند، گروهی از آنان تا آنجا پیش رفته که در این راه جان خویش را تقدیم نموده‌اند، اما برخی دیگر راه محافظه‌کاری را در پیش می‌گیرند بدین شکل که برخی رهبران و صاحبان اندیشه و نفوذ راه انزوا و گوشه‌نشینی را انتخاب نموده و عملاً خود را از صحنه اجتماع و سیاست دور می‌نمایند و یا گاهی با اینکه در مجامع همبستگی اسلامی شرکت می‌نمایند اما راه محافظه‌کاری را در پیش می‌گیرند.

مجمع جهانی تقریب مذاهب با هدف نزدیک کردن و همدلی مذاهب اسلامی همواره در تلاش است تا وحدت امت اسلامی در عمل به بار نشیند و از سایه‌سار برکات این وفاق و همدلی مسلمین بهره‌مند گردند. علت اصلی این امر برخی از اصحاب تقریب‌اند که با وجود شرکت در این مجمع جهانی به صحبت کردن و شنیدن سخنرانی‌ها اکتفا می‌کنند و در کشورهای خود هیچ فعالیت فکری و عملی‌ای در این راستا نداشته و محافظه‌کاری می‌کنند. اگر اعتقاد محکمی به تقریب، به منظور تقویت وحدت اسلامی در جهان وجود داشته باشد (ر.ک: محسنی، ۱۳۸۷، ۱۱۱) بی‌شک خداوند متعال نیز توفیق بیشتری در این مسیر به مسلمانان مرحمت می‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ** (رعد/۱۱) «در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند». در واقع میان تمامی حالات انسان و اوضاع خارجی، یک نوع تلازم است، پس اگر مردمی دارای ایمان و اطاعت و شکر باشند خداوند هم نعمت‌های ظاهری و باطنی‌اش را به ایشان عطا می‌کند و اگر آن‌ها وضع خود را تغییر داده و به کفر و فسق بپردازند خداوند هم نعمت خود را به نعمت مبدل کند و... (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴۲۰/۱۱) بنابراین هر قدر بزرگان و برجستگان مکتب اسلام دارای اندیشه‌ای پویا و روحی پاک و بی‌آلایش و علمی سازنده باشند مطمئناً در دین رکود و نخوت رسوخ نمی‌نماید و راه برای نفوذ وحدت‌شکنان ملل مسلمان بازمی‌گردد.

## موانع بیرونی وحدت امت اسلامی

موانع بیرونی در این زمینه که از جانب جبهه‌ی استکبار و استعمار بر پیکره‌ی جامعه اسلامی وارد می‌شود اقتدار جامعه بزرگ مسلمانان را در سطح جامعه جهانی کم‌رنگ کرده است. هرچند که وقوع انقلاب اسلامی در ایران و خیزش‌های بیداری در برخی کشورهای اسلامی به تبعیت از نظام اسلامی ایران در این بین نویدبخش آینده‌ای درخشان است، اما تا رسیدن به نقطه آرمانی این امت راهی طولانی در پیش رو دارند.

### الف: نامشخص گذاشتن مرزهای جغرافیایی

اختلافات سیاسی و سرزمینی اغلب به منش اقتدارگرایی حاکمان کشورهای اسلامی بستگی داشته و دارد؛ کشمکش‌های حاکمان سرزمین‌های اسلامی با یکدیگر که به جهت توسعه‌ی دامنه قدرت، اما در ظاهر، شاید، به بهانه‌ی دینی و مذهبی رخ می‌دهد کمترین اثر سوئی که در داخل امت اسلامی دارد، تضعیف و مستهلک شدن قدرت دو طرف و از میان رفتن شوکت و اقتدار کل امت اسلامی خواهد بود. (پژوهنده، ۱۳۸۶، ۱۲۷) در طول حیات استعمار پیر (انگلیس) و به‌ویژه در طی دوران معاصر این کشور در پی تسلط و تفوق بر سرزمین‌های دیگر و تأمین منافع استعماری خویش با نامشخص گذاشتن مرز میان کشورهای مختلف از جمله کشورهای اسلامی آتش دشمنی بین این ملت‌ها را روشن نمود. مناقشات امارات متحده عربی با ایران بر سر جزایر سه‌گانه ایرانی (تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی) که امارات هر از چند گاهی ادعای مالکیت آن را می‌کند و وقوع جنگ تحمیلی (هشت‌ساله) عراق علیه ایران نمونه‌هایی از این ترفندهاست. طبق نقشه اخیر صدام حسین رئیس‌جمهور وقت عراق که پس از سقوط حکومت پهلوی در ایران علاقه وافری به ژاندارمی آمریکا در منطقه از خود نشان می‌داد، برای تحقق این رؤیای شیرین در پی تحریکات و تحرکات سیاسی آمریکایی‌ها با طراحی سه هدف عمده: حاکمیت بر اروندرود و حل‌وفصل دعاوی مرزی، جداسازی استان خوزستان از ایران و تضعیف منجر به سقوط نظام اسلامی که از تبعات اهداف اول و دوم شمرده می‌شد و هدف اصلی غرب از درگیر کردن دو کشور را تشکیل می‌داد وارد تهاجمی هشت‌ساله با ایران شد. (کرامتی، ۱۳۸۳، ۵۳؛ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۲، ۲۰) در پی این تهاجم بسیاری از زیرساخت‌های ایران تخریب و در نتیجه حکومت اسلامی ایران به‌جای این که آثار عقب‌ماندگی‌های گذشته را ترمیم و بازسازی نماید به‌ناچار در عرصه مقاومت و پایداری در برابر این حملات گام نهاد و توانست در نهایت این تجاوز را به سود خویش به پایان رساند.

### ب: جنگ نرم

جهان اسلام به دلیل ویژگی‌های ایدئولوژیکی (صبغه سیاسی مذهبی) و ژئوپلیتیکی (شرایط خاص جغرافیایی) و برخی منابع حیاتی و دارا بودن برخی مناطق استراتژیک (خاورمیانه) در صورت همبستگی و تفاهم می‌تواند به قدرتی بزرگ و تأثیرگذار در معادلات بین‌المللی تبدیل شود. به همین دلیل مخالفان اسلام به‌خصوص جهان غرب

یکی از راه‌های کلیدی جهت تأمین منافع خود را تضعیف جهان اسلام از طریق ایجاد اختلاف میان کشورها و مذاهب اسلامی می‌دانند. (ر.ک: پاک آیین، ۱۳۸۹، ۲۶۵) در تاریخ غارتگری و استثمار ملت‌های مسلمان استعمارگران با ترفندهای مختلف در مقاطع گوناگون به ستیز با اسلام پرداخته‌اند. این چپاولگران ابتدا با راه‌اندازی جنگ نظامی (سخت) به‌طور مستقیم وارد پیکار با مسلمانان شدند اما با شکست این حربه آنان با هدف قرار دادن ارزش‌ها و مبانی اسلامی به شیخون فرهنگی روی آوردند. چنانکه غرب در جنگ نرم نیز با بکارگیری فنون عملیات روانی سیاست‌های تفرقه‌افکنانه خود را همچنان پیش می‌برد بدین منظور در سال‌های اخیر دو تن از محافظه‌کاران آمریکا «توماس فریدمن» (Tomas Freidman) و «چایکن» (Chaiken) پس از انجام پروژه‌های تحقیقاتی به دولتمردان آمریکایی، به‌ویژه اوباما پیشنهاد کردند در سخنرانی‌ها از مفهوم «جهان اسلام» اجتناب کرده و به‌جای آن از مفهوم «مسلمانان» استفاده کند. در واقع هدف اصلی جنگ نرم تأثیرگذاری بر افکار عمومی و به‌خصوص نخبگان هست. امروزه جنگ اینترنتی، ایجاد شبکه‌های رادیوتلوویزیونی و پخش شایعات اشکال مهم جنگ نرم هستند. در عرصه مقابله با وحدت اسلامی نیز، جنگ نرم درصدد تضعیف اندیشه و تفکر تقریبی در بین علما و شخصیت‌های تأثیرگذار جهان اسلام است و در این زمینه بودجه‌های هنگفتی را سرمایه‌گذاری می‌کند. (ر.ک: پاک آیین، ۱۳۸۹، ۲۶۶)

### ج: نفوذ منافقان در صفوف مسلمین

نفاق و دورویی پدیده شوم و خطرناکی است که در هر عصر و زمانی وجود داشته است و می‌تواند وحدت و همبستگی هر جامعه‌ای را از درون مورد تهدید قرار دهد. خداوند در جای‌جای سوره‌های مدنی، مؤمنان را از نقش خطرآفرین منافقان و فتنه‌گری آنان در اجتماع مسلمانان بر حذر می‌دارد؛ چنانکه در سوره‌ی مبارکه منافقون، منافق را کسی می‌داند که با تظاهر به ایمان و پناه گرفتن در پوششی فریبنده و مقدس سعی می‌کند به‌صورت آرام و نامحسوس، توطئه مخربی را ضد مذهب و صفوف یکپارچه اهل ایمان به وجود آورد. (یدالله پور و حیدری، ۱۳۹۰، ۱۳۴) همچنین خداوند در این سوره‌ی مبارکه با افشای نقش منافق در جامعه، مسلمانان را نسبت به آراستگی ظاهر، چرب‌زبانی و زیبا سخن گفتن اهل نفاق در جذب عامه مردم هشدار می‌دهد: *وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَ* *إِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهِمْ خَشَبٌ مُسْتَدَدٌ يَخْسِبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنْى يُؤْفَكُونَ* (منافقون/۴) «و چون آنان را ببینی، هیكل‌هایشان تو را به تعجب وامی‌دارد و چون سخن گویند به گفتارشان گوش فرا می‌دهی گویی آنان شمعک‌هایی پشت بر دیوارند [که پوک شده و درخور اعتماد نیستند]: هر فریادی را به زیان خویش می‌پندارند. خودشان دشمن‌اند از آنان بپرهیز خدا بکشدشان تا کجا [از حقیقت] انحراف یافته‌اند».

در تاریخ صدر اسلام جبهه نفاق در غزوه‌ی احد با رسوخ در دل‌های افراد دهان‌بین که پیوسته گوش به سخنان منافقان و کافران می‌دهند، باعث شکست مسلمین و زخمی شدن وجود مبارک حضرت محمد (ص) شدند.

درحالی که پیامبر (ص) طبق طراحی جنگی خویش با توجه به موقعیت جغرافیایی کوه احد به دسته‌ی تیراندازان به رهبری عبدالله بن جبیر فرمود: روی تپه مستقر شوید و نگذارید دشمن با دور زدن این کوه از پشت سر وارد میدان شود و ما را غافلگیر سازد شما هرگز اینجا را ترک نکنید خواه ما در نبرد پیروز شویم یا مغلوب گردیم؛ اما با نفوذ و اغوای منافقان در میان نگهبانان تپه، سربازان اسلام آن محل را تخلیه کرده و راه را برای افراد دشمن باز گذاردند. (رک: ابن اثیر، ۱۳۷۱، ۳/ ۹۸۸)

این گروه به‌ظاهر صلح‌طلب و آزادی‌خواه از هر فرصتی در جهت خدشه‌دار شدن وحدت و انسجام اسلامی استفاده می‌کنند. در ایران اسلامی این گروهک‌های تروریستی تحت عنوان «مجاهدین خلق»، فرقان و... فجایع عظیمی را به بار آورده و لطمات جبران‌ناپذیری بر پیکر انقلاب نو پای اسلامی زدند اما آوارگی و در یوزگی آنان در اروپا و آمریکا حاکی از نقشه بر آب شدن اهداف پلیدشان است.

### د: فرقه سازی و حمایت از فرقه‌های انحرافی

از دیگر شیوه‌های تفرقه‌افکنی استکبار در میان امت اسلامی، ایجاد فرقه‌ها و مذاهب و نیز حمایت از فرق انحرافی و تندرو بوده است. در عصر معاصر استعمار گران شرق و غرب در پی نفوذ معارف و رسوخ فرهنگ غنی اسلام در بین توده‌های مسلمین و تأثیرپذیری سایر ملت‌ها از آنان در طراحی نقشه‌ی شیطانی به شکار طعمه‌های خویش در مراکز دینی و حوزه‌های مطرح در این بلاد پرداختند. شکل‌گیری فرق ضاله از جمله مولود این اندیشه‌ی ناپاک و خبیث است. (رک: حسینی، ۱۳۸۸، ۱۶۸) به‌عنوان نمونه فرقه نوپای وهابیت که به دستور مستقیم وزارت انگلستان ایجاد شده است در مدت کوتاهی به‌واسطه حمایت‌های بی‌دریغ این دولت توانست اندیشه‌های خود را در راستای سیاست‌های استعماری بریتانیا و ایالات متحده‌ی آمریکا در ایجاد تشنت و تفرقه در دنیای اسلام و بهره‌برداری از ذخایر مادی و معنوی آنان محقق سازند. وضعیت کنونی عراق، افغانستان، پاکستان و... بهترین گواه این سخن است. (رک: کرمانی، ۱۳۸۹، ۴۳۰-۴۳۴)

تقویت و ایجاد گروهک‌های تروریستی از دیگر اقدامات دشمن در این عرصه است که نمونه آن‌ها گروهک تروریستی داعش هست که با ادعای تشکیل دولت اسلامی عراق و شام مدتی است با حمایت مادی و معنوی غرب در مناطق اسلامی سوریه، عراق و... طبق سناریوی از پیش تعیین‌شده با هدف ضربه زدن به وحدت و انسجام اسلامی دست به جنایات هولناکی در این مناطق زده است که در جای خود قابل‌بحث و بررسی و ریشه‌یابی است.

## نتیجه‌گیری

موانعی از درون و بیرون وحدت امت را تهدید می‌کند شناخت این موانع راهی در جهت بازیابی وحدت امت اسلامی و تحکیم مبانی آن است. با نگاهی به تاریخ اسلام و حیات جمعی مسلمانان، می‌توان گفت که از گذشته‌های دور تا عصر حاضر همواره کسانی بوده‌اند که با انگیزه‌های نکوهیده و نامقدس و یا به‌ظاهر ستوده و مقدس، در مسیر وحدت اسلامی سنگ‌اندازی کرده و مانع به ثمر رسیدن آن شده‌اند. عواملی چون فقدان رهبری صالح، دنیاپرستی و پیروی از هوا و هوس، ملی‌گرایی تعصب‌های مذهبی- قومی- نژادی و قبیله‌ای، تکفیر یکدیگر، افراط و تفریط مسلمین، محافظه‌کاری عالمان دینی، جهل و ناآگاهی توده مردم، حکومت‌ها و کارگزاران فاسد، بی‌اعتنایی به منابع دینی جزء مهم‌ترین عوامل درونی هستند که اتحاد امت اسلامی را تهدید می‌کنند و مواردی نظیر نامشخص گذاشتن مرزهای جغرافیایی، فرقه‌سازی و حمایت از فرقه‌های انحرافی، جنگ نرم، نفوذ منافقان در صفوف مسلمین از بیرون مانع وحدت امت اسلامی می‌شوند.

۱. قرآن کریم (ترجمه‌ی محمدمهدی فولادوند)
۲. نهج‌البلاغه (ترجمه محمد دشتی)
۳. آشوری، داریوش (۱۳۸۹) دانشنامه سیاسی «فرهنگ اصطلاحات و مکتبهای سیاسی» (نوزدهم)، تهران: مروارید.
۴. آقا نوری، علی (۱۳۸۷) امامان شیعه و وحدت اسلامی (اول)؛ قم، انتشارات ادیان و مذاهب.
۵. آمدی، عبدالوحد، (۱۳۶۶) غررالحکم و دررالکلم، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه قم.
۶. ابن اثیر، عزالدین (۱۳۷۱) تاریخ کامل، ترجمه‌ی محمدحسین روحانی (اول)، تهران: انتشارات اساطیر.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق) لسان العرب (سوم)، بیروت: دار صادر.
۸. ابن فارس، احمد بن زکریا (۱۳۸۷) ترتیب معجم مقاییس اللغة (اول) قم: مرکز دراسات الحوزه و الجامعه.
۹. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۰) ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن (اول)، بی‌جا: انتشارات قلم.
۱۰. پاک آیین، محسن، جنگ نرم، امت اسلامی از تنوع مذهبی تا فرقه‌گرایی مجموعه مقالات «فن مقابله با تقریب مذاهب اسلامی»، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، اول: ۱۳۸۹، ۲۶۵
۱۱. پژوهنده، محمدحسین (۱۳۸۶)، «آسیب‌شناسی وحدت اسلامی»، نشریه علوم اجتماعی (مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی)،
۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۸) ولایت‌فقیه رهبری در اسلام (دوم)، قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۱۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸) جامعه در قرآن (دوم)، قم؛ مرکز نشر اسراء.
۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶) وحدت جوامع در نهج‌البلاغه (دوم)، قم؛ مرکز نشر اسراء.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق) تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه (اول)، قم؛ موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.
۱۶. حسینی، محمد رسول (۱۳۸۸) وحدت اسلامی «مبانی، عرصه‌ها، موانع و راهکارها» (اول)، قم؛ جامعه‌المصطفی (ع) العالمیه.
۱۷. خسرو پناه، عبدالحسین (۱۳۸۶) آسیب‌شناسی جامعه دینی (سوم)؛ تهران؛ دفتر نشر معارف.
۱۸. رجاء، علی‌اصغر (۱۳۹۰) تجزیه جهان اسلام؛ چرایی و پیامدها (اول) قم؛ مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ع).
۱۹. صالحی، پیمان، (۱۳۹۰) راهکارهای مقابله با نفوذ بیگانگان در نهضت‌های بیداری اسلامی از منظر قرآن؛ پژوهشنامه معارف قرآن کریم؛ چهارم، ش ۱۳، ۱۵۵، ۱۳۹۰.

۲۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴) تفسیر المیزان (ترجمه‌ی محمدباقر موسوی همدانی)، (اول)؛ قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۱. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵) مجمع البحرين (سوم) تهران؛ کتابفروشی مرتضوی.
۲۲. طیب، عبدالحسین (۱۳۷۸) اطبیب البیان فی تفسیر القرآن (دوم) تهران؛ انتشارات اسلام.
۲۳. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۰ ق) قاموس المحيط (اول) بیروت: المكتبة العصرية.
۲۴. قشیری نیشابوری؛ مسلم بن حجاج (بی تا) صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر.
۲۵. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۷) تفسیر أحسن الحدیث (سوم) تهران؛ بنیاد بعثت.
۲۶. کرامتی، محمدتقی (۱۳۸۳) وسوسه شیطان بزرگ: جریان شناسی فعالان رابطه با آمریکا از دولت موقت تا دولت اصلاحات (اول)، قم: همای غدیر.
۲۷. روزشمار جنگ ایران و عراق (کتاب چهارم: هجوم سراسری)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۲۸. کرمانی، طوبی، مجموعه مقالات امت اسلامی از تنوع مذهبی تا فرقه‌گرایی: «عوامل گرایش به فرقه‌گرایی»، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی - معاونت فرهنگی، اول: ۱۳۸۹، ۴۳۰-۴۳۴
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ ق) الکافی (اول)، قم؛ دار الحدیث.
۳۰. لوبون، گوستاو (۱۳۷۸) تاریخ تمدن اسلام و غرب، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی (اول)، تهران: دنیای کتاب.
۳۱. محسنی، محمد آصف (۱۳۸۷) تقریب مذاهب از نظر تا عمل (دوم)، قم؛ نشر ادیان.
۳۲. محمدقاسمی، حمید (۱۳۸۹)، اصلاح و افساد در داستان‌های قرآن (اول) تهران؛ سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۶۶) خدمات متقابل اسلام و ایران (چهاردهم) تهران؛ انتشارات صدرا.
۳۴. معز الدین، محمد سعید، آوای وحدت: «ناسیونالیسم و همبستگی اسلامی»، بی‌جا: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، اول: ۱۳۷۴، ۲۹۴-۲۹۵
۳۵. معین، محمد (۱۳۷۵) فرهنگ فارسی (نهم) تهران؛ انتشارات امیرکبیر.
۳۶. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه (اول) تهران؛ دارالکتب اسلامی.
۳۷. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹)، صحیفه نور (سوم) تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره)
۳۸. مناوی، محمد عبدالرؤوف (بی تا)، فیض القدير، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۳۹. نصیری رضی، محمد (۱۳۸۱) تاریخ تحلیلی اسلام (هفتم)، قم؛ انتشارات معارف.



۴۰. هاشمی خوئی، حبیب‌الله (۱۴۰۰ ق) ترجمه‌ی منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه (حسن حسن‌زاده آملی و محمدباقر کمره‌ای) تهران؛ مکتبه‌الاسلامیه.

۴۱. یدالله پور، بهروز و صادق حیدری (۱۳۹۰)، راههای نفوذ بیگانگان در نهضت‌های بیداری اسلامی از دیدگاه قرآن کریم؛ پژوهشنامه معارف قرآن کریم؛ سال چهارم، ش ۱۳، ۱۳۹۰، ۱۳۴.